

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

انجینر محمد هاشم رائق
۲۶ اپریل ۲۰۲۱

پاداش مادر

عجب رنگین بود این زندگانی
چو روزی بگذرد دیگر نیاید
شبیه بگذشته و آید دیگر روز
بماند کرده ها از ما نشانه
تمام خوب و بد، پندار و گفتار
به یاد مانده ز روزگاران پشین
برادری بود با هم برابر
دیگر یک آدم مغرور و بیباک
به جا مانده ز خود اموال و ثروت
زمرگ همسرش دایم به گریان
وجود خسته و افسرده دارد
که راز دل کنند باهم خصوصی
خیال مال میراث بوده بر سر
زمین و باغ و ملک را نیم کردند
کدامش از تو باشد ای برادر
و طفلانم همه خورد و صغیر است
به هم باشد نظام لانه من
کند خدمت به شخصی پیر و بیمار

عجب رنگین بود این زندگانی
یک رنگش بدیگر برنخواند
اگر آید نباشد به مثل دیروز
ز روز و روزگاران زمانه
ببندد نقش بر اذهان و افکار
هزاران قصه های ناب و رنگین
چنان گویند که بوده دو برادر
یکی خودخواه و خودبین و چالاک
پدررفته ازین دنیا به حرمت
بود مادر زیون و زارو نالان
ز فرزندان دلی آزرده دارد
بود همراز او یکدانه طوطی
شدند ناساز می هر دو برادر
به آخر هر چه بود تقسیم کردند
سخن آمد سرطوطی و مادر
بگفتا مادرم پیرو زهیر است
نسازد بر محیط خانه من
ندارد خانم من طاقت کار

به من طوطی بده که شوخ و شنگ است

سخندان و سخن گوی و قشنگ است

رائق امریکا